



شهید مطهری اسطوره‌های در برابر الحاد شرق و غرب

✱ **استاد شهید مطهری:**
مسئله اصلی استعمار است.
استعمار سیاسی و اقتصادی آنگاه
توفیق حاصل می‌کند که در
استعمار فرهنگی توفیق بدست
آورده باشد. بی اعتقاد کردن مردم به
فرهنگ خودشان و تاریخ شرط
اصلی این موفقیت است.

✱ **استعمار برای موفقیت در**
زمینه فرهنگی از دویازوی اجرایی
برخوردار بود: «راست و چپ»،
غرب زدگی و شرق گرایی، و استاد
شهید بیشترین همت خود را در
مبارزه فکری و فرهنگی با استعمار
و بازوهای اجرایی آن بکار برد.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

در اولین بهار آزادی از ۲۵۰۰ سال ظلم و ستم شاهنشاهی و در زمانی که حامی دیربهای شیطانی در پی توطئه‌های رنگارنگ برای از میان بردن این انقلاب الهی بودند و در حالیکه امت شهید پرور و همیشه در صحنه در صدد ترسیم خطوط آینده این انقلاب عظیم الهی و الگو قرار گرفتن در مسیر مبارزات مظلومین جهان بود و در هنگامی که ایران اسلامی بیشترین نیاز را به نابغه بزرگ و مرد علم و تقوی و میدانهای نبرد، علامه مطهری داشت. دست شیطان بزرگ آمریکایی جنایتکار از آستین سیاه دلان شب پرست که انجمنان دچار ضعف منطبق بودند که جواب اندیشه را در گلوله می‌یافتند بیرون آمد و این دانشمند بزرگ و اولین رئیس شورای انقلاب اسلامی ایران را که به تنهایی و برای جاره اندیشی در مشکلات امت، به منزل یکی دیگر از اعضای این شورا رفته بودند بطور ناجوانمردانه ای به شهادت رساندند و امتی را از داشتن چنین اندیشمندی محروم کرده و رهبر انقلاب و مرد

همیشه در صحنه را در سوگ نشاندند.

استاد همانند تمامی شخصیت‌های موثر در تاریخ شرق تا زمان شهادت مجهول القدر بود. و مردم این شخصیت بزرگ را در تمامی ابعادش شناخته بودند. ولی پس از شهادت ایشان بود که عظمت او آشکارتر و جای او در ترسیم خطوط اساسی انقلاب، خالی تر نمود و پس از دریافت این مطلب بود که از سوی امت اسلام حرکتی بزرگ در شناخت مجدد این شخصیت و مطالعه آثار و کتب و مقالات ایشان آغاز گردید و توصیه‌های مکرر حضرت امام خمینی (مدظله) که جوانان را دعوت به مطالعه آثار آن شهید نمودند در این حرکت اثر زیادی گذارد و اکنون در جامعه ما در هر خانه و مدرسه و کتابخانه‌ای که متعلق به اسلام و انقلاب باشد آثار و افکار شهید مطهری بخوبی مشاهده می‌شود. حتی در جبهه‌های جنگ و در سنگرهای خط مقدم جبهه نیز در کنار قرآن و مفاتیح به آثار آن شهید بر می‌خوریم و اینها همه بخاطر مقام علمی و مبارزاتی و شدت تقوی و گرایش به معنویت در آن شهید می‌باشد و ما اکنون در چهارمین سالگرد

شهادت آن بزرگوار به بیان شمه‌ای از ویژه گهای آن شهید پرداخته، باشد که از او سرفروش گرفته و در راه پیاده شدن اسلام احیال هر چه بیشتر کوشا باشیم.

مقام علمی استاد

مقام علمی استاد شهید خارج از توصیف و حد بسیار بالایی بوده است و کتابها و مقالات و سخنرانیها و اسانید و تاگردان آن شهید دلیل بر این مسئله می‌باشد که: «آفتاب آمد دلیل آفتاب». و در اینمورد بجاست که گوشه‌ای از پیام امید امام و امت و فیلسوف بزرگ و فقه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری را در اینمورد بیاوریم که ایشان فرمود:

«استاد مطهری در فقه و اصول و فلسفه مجتهد مسلم بود.»

و همچنین مرحوم علامه طباطبائی در مورد استاد شهید چنین می‌فرمود:

در مجموع همه علمی که می‌تواند یک انسان مکتبی اهل نظر را بسازد و از

«من هر چه از دین و از مشکلات علوم اسلامی می‌گفتم، وقتی آقای مطهری بود، مطمئن بودم که زحمات و آن تحقیق علمی من هدر نمی‌رود».

استاد شهید علاوه بر تسلط کامل بر علوم مختلف اسلامی، بر فلسفه شرق و غرب نیز احاطه کامل داشت که این مسئله خود، آثار استاد را عمیق تر، و برتری فلسفه اسلامی را بر آثار شرقی و غربی بنحو بهتری نمایان می‌نمود.

و مهمتر از همه اینکه این علوم در گنجینه ذهن و کتابخانه بایگانی نشد بلکه در مجامع مختلف از حوزه علمیه گرفته تا دانشگاه و مسجد و حسینیه و بوسیله گفتارها و نوشتارها در فرهنگ اسلامی قرار گرفت و حتی برای اینکه این مطالب برای اقشار مختلف مردم قابل درک و فهم باشد، با اسلوب ساده‌ای نگاشته و برخی از آنها به شکلی که برای نوجوانان نیز قابل استفاده باشد به رشته تحریر در آمده است (مانند کتاب ارزنده داستان راستان)، البته مطالعه برخی از آثار استاد شهید، بعلت پیچیدگی مستلزم مطالعات و آگاهیهای لازم می‌باشد که در آن قسمت هم استاد رعایت سادگی بیان را نموده‌اند.

مقام مبارزاتی استاد شهید

استاد در مبارزه نیز بصورت علمی وارد شد یعنی مبارزه علمی را بمعنای واقعی خودش آغاز کرد، استاد دشمن را بخوبی شناخته بود، دشمن استعمار بود چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه اقتصادی و فرهنگی ولی آنچه برای دشمن راهگشا بود، پیشرفت و موفقیت در مبارزه فرهنگی بود و دشمن برای موفقیت در این زمینه از دوبازوی اجرائی برخوردار بود: «راست و چپ»، شرق گرانی و غرب زدگی و استاد بیشترین همت خود را در مبارزه فکری و فرهنگی با استعمار و بازوهای اجرائی آن بکار برد، استاد خود در این زمینه چنین می‌فرماید: مسئله اصلی استعمار است، استعمار سیاسی و اقتصادی آنگاه توفیق حاصل می‌کند که در استعمار فرهنگی توفیق بدست آورده باشد، بی اعتقاد کردن مردم به فرهنگ خودشان و تاریخ شرط اصلی این موفقیت است.

و این چنین بود که استاد در سالهای حدود ۱۳۳۰ و بعد از آن مبارزه با ماتریالیسم را بعنوان ره‌آوردی از ماورای مرزها برای گرفتن فرهنگ این ملت آغاز نمود و با نگاشتن و توضیح‌حاتی برکتاب

اصول فلسفه و روش رئالیسم، کتاب علل گرایش به مادگرایی و... با این مسئله بصورت اصولی بر خورد نمود و همچنین با نگاشتن کتابهای گوناگون از مسئله حجاب گرفته تا خدمات متقابل اسلام و ایران و نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر و... با افکار غرب‌زده‌گان و ملی‌گرایان درگیر شده و مبارزه نمود. بطور قاطع می‌توان گفت که در فکر استاد اسلام و حفظ اصالت مکتب، بعنوان اصلی‌ترین هدف قرار داشت و او در برابر هیچ اتحرافی سکوت را جایز نمی‌دانست و فوراً موضع‌گیری می‌نمود. البته موضع‌گیری اصولی و منطقی و عمدتاً ارشادی و از روی دلسوزی و تأکیدات مکرر آن شهید برخوردار منطقی با اندیشه‌های گوناگون، گواهِ این مدعاست. و عاقبت نیز استاد بزرگوار و فیلسوف گرانقدر جان در این راه نهاد و بدست منرفین که اسلام را وارونه تفسیر نموده و از آن برداشته‌انی ناروا و غلط داشتند و زبان منطق را نیز نمی‌فهمیدند، به شهادت رسید.

آنچه در این بخش تذکرش ضروری به نظر می‌رسد اینکه استاد علاوه بر مبارزه گسترده و وسیع در زمینه فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی و مبارزه با رژیم منفور پهلوی نیز شرکت فعال داشته‌اند که این مسئله از دیرباز، در همکاری با فدائیان اسلام و شرکت در مبارزاتی که روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی داشته است تجلی می‌یابد این مبارزات تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد و در مسیر همین مبارزات بود که استاد شهید متحمل انواع ناملایمات گردیدند، و مجموع این سلاحتهای علمی و عملی موجب می‌گردد که استاد شهید از سوی رهبر عظیم‌الشان انقلاب، حضرت امام خمینی (مدظله) بعنوان اولین رئیس شورای انقلاب اسلامی ایران تعیین شوند که متأسفانه این انقلاب شکوهمند نتوانست بعد از پیروزی از آن وجود ارزنده استفاده نماید. و او بسیار زود، زودتر از همنسنگران دیگر، به دیدار معشوق شتافت، قطوبی که و حسن مآب.

استاد شهید در نظر امام امت

شاید کمتر کسی به اندازه امام امت، در دوران معاصر، در سوک عزیزان نشسته و داغ یاران را نه

دل داشته باشد داغ شهادت فرزند نسبی گرفته، تا تمامی شهدا که فرزندان معنوی امام بحساب می‌آیند و سوک یاران صمیمی و فداکاری همچون طالقانی، بهشتی، رجانی، باهنر، مدنی، دستغیب، اشرفی، صدوقی و...

ولی این امام بزرگوار و این فهرمان بزرگ صبر و استقامت تنها در یک سوک گریست، و آن در سوک مطهری بود و این خود مقام آن شهید را در نظر رهبر انقلاب بخوبی آشکار می‌سازد و پیامهایی که امام امت در این رابطه فرستاده‌اند خود گواهِ این مطلب است که اکنون بخشهایی از پیامهای امام امت در این رابطه را، بعنوان حسن ختام، از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

من گرچه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم، لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد، مطهری که در طهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود رفت و به ملاء اعلیٰ پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش نمی‌رود.

(از پیام امام بمناسبت شهادت استاد مطهری در سال ۱۵۸)

مطهری فرزند عزیزی برای من و بشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزارای سودمند برای ملت و کشور بود، خدایش رحمت کند... من به دانشجویان و طبقه روشنفکر و معتمد توصیه می‌کنم که کتابهای آن استاد عزیز ما را نگذارند با دسیسه‌های غیر اسلامی فراموش شود.

(از پیام امام بمناسبت شهادت استاد مطهری در سال ۱۵۹)

او با قلمی روان و فکری توانا در تحصیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی فلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت، آثار قلم و زبان او بی استثنا آموزنده و روان بخش است و مواعظ و نسیایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیده شآت می‌گرفت برای عارف و عامی سودمند و فرخ‌زا است. مرحوم استاد مرتضی مطهری به ابدیت پیوست، خدایش با رحمت خود با موالیانش محشور فرماید.

(از پیام امام بمناسبت شهادت استاد مطهری در سال ۱۶۰)